«فرهیختگان» وضعیت تسهیلات‌دهی ۳۰ بانک و موسسه اعتباری به کارمندان و مدیران بانکی را بررسی کرد

تسهیلات ۱۶۴ هزار میلیارد تومانی کارمندان بانک‌ها

فرهیختگان فراهم آوردن انواع مزایای رفاهی برای کارکنان جزء مواردی است که هر مجموعه دارای فرد شاغل سعی در برآوردن آن دارد تا هم تعلق‌خاطر کارکنان خود را به مجموعه‌اش افزایش دهد و هم درکنار مزایای قانونی مطابق با قرارداد کاری، پشتیبانی‌های مالی بیشتری از کارکنانش داشته باشد. از این نظر تسهیلات اعطایی به کارکنان جزء مهم‌ترین این مزایا شناخته می‌شود، چنانکه بانک‌ها به‌عنوان نهادهای اقتصادی- که وظیفه به جریان انداختن وجوه و گردش آن را میان دارندگان و متقاضیان منابع مالی برعهده دارند- از این قاعده مستثنی نیستند. اما نگاهی به اطلاعات مالی ۳۰ بانک مورد بررسی از باقی‌مانده تسهیلات اعطایی به کارکنان نشان از آن دارد که متوسط پرداختی بانک‌های کشور به کارکنان خود (بدون درنظر گرفتن تسهیلات بازنشستگان بانک‌ها) به عدد ۷۷۷ میلیون تومان می‌رسد که البته این عدد در میان بانک‌های مختلف متفاوت و در بازه‌های معناداری حضور دارد. برای مثال پست‌بانک با داشتن دوهزار و ۷۳۹ کارمند و تسهیلات دوهزار و ۸۱۳ میلیارد تومانی به کارکنان خود، متوسط تسهیلات کارمندی یک‌میلیارد و ۲۷ میلیارد تومانی را به هر کارمند داشته است و پس از آن بانک صنعت‌ومعدن با یک میلیارد و ۱۴ میلیون تومان و بانک رفاه با یک میلیارد تومان تسهیلات در رتبه‌های بعدی بیشترین تسهیلات قرار دارد و در ادامه این فهرست بانک‌های توسعه تعاون، مسکن، ملی و سینا به ترتیب با ۹۵۸، ۹۰۷، ۹۲۴ و ۸۷۷ میلیون تومان در رتبه‌های بعدی بیشترین تسهیلات کارمندی حضور دارند. البته لازم به‌ذکر است که حجم تسهیلات پرداختی هر بانک به کارکنان خود در این گزارش، میزان متوسط پرداختی به هر کارمند بوده، به‌عبارت دیگر در این محاسبات فرض بر آن شده است که اولا بانک به تمام کارکنان خود اعم از ستاد و صف، با سابقه بالا و کسانی که تازه مشغول به کار شده‌اند، تسهیلات کارمندی اعطا کرده و ثانیا تسهیلات اعطایی به همه افراد به یک‌میزان بوده است، یعنی بررسی سابقه کاری یا پست سازمانی به‌دلیل محدودیت اطلاعاتی لحاظ نشده است. همچنین همه ارقام سرانه بدون درنظر گرفتن تسهیلات بانک‌ها به بازنشستگان خود (کارمندان سابق) است.

تسهیلات ۱۶۴ هزار میلیارد تومانی کارکنان

بررسی اطلاعات مربوط به تسهیلات اعطایی بانک‌های کشور به کارکنان خود نشان می‌دهد از مجموع ۳۰ بانک و موسسه اعتباری که اطلاعات منتشره داشتند، حجم کل تسهیلات به ۱۶۴ هزار و ۲۶۳ میلیارد تومان می‌رسد که در این میان بانک سپه با اعطای تسهیلات ۳۰ هزار و ۸۵۳ میلیارد تومانی در رتبه نخست، بانک ملی با مجموع تسهیلات ۲۴ هزار و ۹۱۱ میلیارد تومانی در رتبه دوم و بانک صادرات با ۱۷ هزار و ۱۴۳ میلیارد تومان تسهیلات کارمندی در رتبه سوم قرار دارند. در ادامه این فهرست نیز بانک ملت با ۱۵ هزار و ۷۷۳ میلیارد، بانک تجارت با ۱۳ هزار و ۱۲۲ میلیارد، بانک کشاورزی با ۱۱ هزار و ۶۳۸ میلیارد تومان، بانک مسکن با ۱۰ هزار و ۹۴۱ میلیارد تومان و بانک رفاه با ۹ هزار و ۶۸۵ میلیارد تومان به ترتیب هشت بانک دارای بیشترین تسهیلات اعطایی به کارکنان خود هستند. به عبارت دیگر این هشت بانک با مجموع تسهیلات اعطایی ۱۳۴ هزار میلیارد تومانی حدود ۸۲ درصد از کل تسهیلات اعطایی به کارکنان را در میان ۳۰ بانک مورد بررسی به خود اختصاص داده‌اند. البته نگاهی به این فهرست نشان از حجم بزرگ این بانک‌ها در فضای بانکی کشور دارد، برای مثال بانک سپه که پس از ادغام پنج بانک و یک موسسه اعتباری در این بانک که اواخر سال ۱۳۹۹ انجام شد، به‌نوعی جایگاه بانک ملی را در عنوان بزرگ‌ترین بانک کشور گرفت. کمااینکه پس از بانک سپه نیز بانک ملی دارای بیشترین سهم تسهیلات به کارکنان است و ادامه فهرست نشان از بانک‌هایی دارد که یا دولتی هستند یا درنتیجه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ خصوصی شده‌اند.

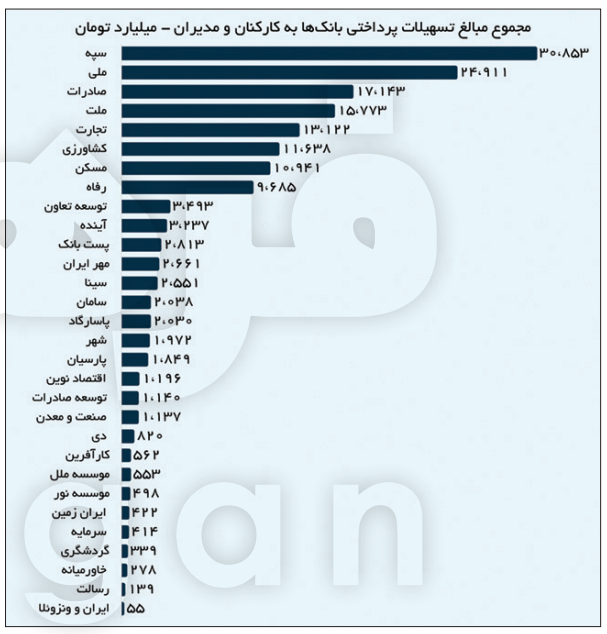

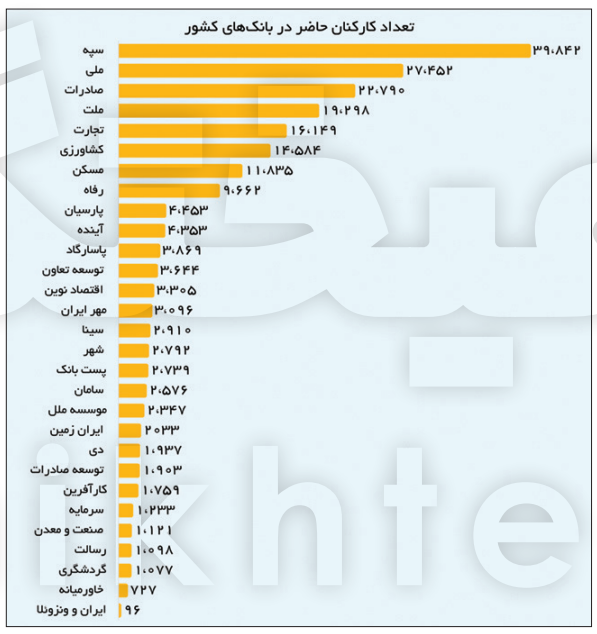

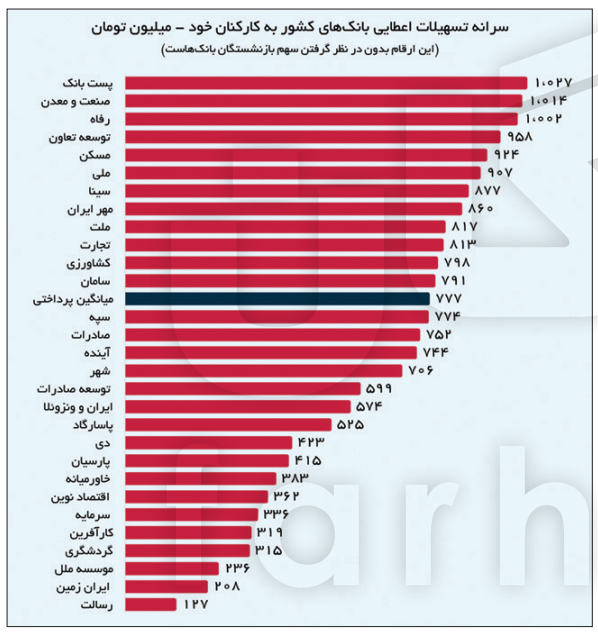

۲۱۱ هزار نفر در شبکه بانکی شاغل هستند

البته ممکن است گفته شود بررسی تسهیلات اعطایی بانک‌ها تنها از منظر حجم کل وام اعطایی به کارکنان، نمی‌تواند انعکاس‌دهنده عملکرد واقعی آنان باشد؛ چراکه همان‌گونه که اشاره شد بانک‌های مختلف کشور به سبب اندازه خود دارای تسهیلات متفاوت هستند و مبنای دقیق‌تر در بررسی تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کارکنان‌شان، بررسی سرانه تسهیلات اعطایی به هر کارمند است که در این صورت می‌توان نگاه بهتری به عملکرد بانک‌ها در این خصوص داشت. در این زمینه بررسی اطلاعات تعداد کارکنان حاضر در شبکه بانکی نشان از آن دارد که درمجموع ۳۰ بانک مورد بررسی به غیر از موسسه اعتباری نور که طی چندسال گذشته اطلاعات مالی خود را منتشر نساخته، مجموعا ۲۱۰ هزار و ۶۸۰ کارمند مشغول به کار هستند. اما از نقطه‌نظر بیشترین شاغل در بانک‌های کشور باید گفت بانک سپه با ۳۹ هزار و ۸۴۲ کارمند در رتبه اول، بانک ملی با ۲۷ هزار و ۴۵۲ کارمند در رتبه دوم و بانک صادرات با ۲۲ هزار و ۷۹۰ نفر در رتبه سوم حضور دارد. در ادامه نیز به ترتیب بانک‌های ملت با ۱۹ هزار و ۲۹۸ کارمند، تجارت با ۱۶ هزار و ۱۴۹ کارمند، کشاورزی با ۱۴ هزار و ۵۸۴ کارمند، مسکن با ۱۱ هزار و ۸۳۵ کارمند و رفاه با ۹ هزار و ۶۶۲ کارمند هشت بانک دارای بیشترین شاغل هستند که با احتساب مجموع ۱۶۱ هزار و ۶۱۲ کارمند، تقریبا ۷۵ درصد از شاغلان در شبکه بانکی در این هشت بانک شاغل هستند. از سوی دیگر در میان بانک‌های کشور و از نظر تعداد کارکنان، بانک ایران ونزوئلا با ۹۶، بانک خاورمیانه با ۷۲۷، بانک گردشگری با هزار و ۷۷، بانک رسالت با هزار و ۹۸ و بانک صنعت و معدن با هزار و ۱۲۱ کارمند بانک‌هایی هستند که کمترین تعداد کارمند را دارند.

تسهیلات ۷۷۷ میلیونی برای هر کارمند بانک

حال که حجم تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کارمندان خود و همچنین میزان کارکنان حاضر در شبکه بانکی و هر بانک مشخص شد با لحاظ این دو متغیر می‌توان نسبت به حجم متوسط تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کارکنان خود رسید. در این خصوص باید گفت متوسط تسهیلات اعطایی شبکه بانکی به هر کارمند (بدون درنظر گرفتن بازنشستگان) به ۷۷۷ میلیون تومان می‌رسد؛ همچنین نگاهی به بیشترین تسهیلات اعطایی به کارکنان در میان بانک‌های کشور نشان می‌دهد پست بانک ایران با اعطای متوسط تسهیلات یک میلیارد و ۲۷ میلیون تومان به هر کارمند، در رتبه اول بالاترین تسهیلات اعطایی به کارکنان قرار دارد. پس از پست بانک نیز بانک صنعت و معدن با اعطای تسهیلات یک میلیارد و ۱۴ میلیون تومانی به‌طور متوسط به هر کارمند در رتبه دوم قرار دارد و پس از آن نیز بانک رفاه با تسهیلات یک میلیارد تومانی در رتبه سوم قرار دارد. در ادامه این فهرست نیز بانک توسعه تعاون با اعطای متوسط ۹۵۸ میلیون تومانی به هر کارمند در رتبه چهارم قرار داشته و پس از آن بانک مسکن با ۹۲۴ میلیون تومان، بانک ملی با ۹۰۷ میلیون تومان، بانک سینا با ۸۷۷ میلیون تومان و بانک قرض‌الحسنه مهر ایران نیز با ۸۶۰ میلیون تومان در ادامه این فهرست قرار دارند. همچنین با درنظر گرفتن همین نسبت اما از بعد کمترین تسهیلات اعطایی به کارکنان باید گفت بانک قرض‌الحسنه رسالت با اعطای ۱۲۷ میلیون تومان تسهیلات به هر کارمند و در میان بانک‌های کشور کمترین میزان اعتبار پرداختی را به ثبت رسانده و پس از آن بانک ایران زمین با ۲۰۸، موسسه ملل با ۲۳۶، گردشگری با ۳۱۵، کارآفرین با ۳۱۹ و سرمایه با ۳۳۶ میلیون تومان در میان بانک‌های با کمترین تسهیلات پرداختی به کارکنان خود هستند. البته ذکر این نکته نیز لازم است که حجم تسهیلات پرداختی بانک به کارکنان خود در این گزارش میزان متوسط پرداختی به هر کارمند بوده و به‌عبارت دیگر در این محاسبات فرض بر آن شده است که اولا بانک به تمام کارکنان خود اعم از ستاد و صف، با سابقه بالا و کسانی که تازه مشغول به کار شده‌اند، تسهیلات کارمندی اعطا کرده و ثانیا تسهیلات اعطایی به همه افراد به یک میزان بوده است؛ به‌عبارت دیگر بررسی سابقه کاری یا پست سازمانی به‌دلیل محدودیت اطلاعاتی لحاظ نشده است.

خلأ قانونی با چاشنی منابع فراوان

با داشتن نگاهی کلان به تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کارکنان خود یا سایر سرفصل‌های تسهیلات از قبیل تسهیلات اعطایی به اشخاص مرتبط که طیف مدیران ارشد و میانی را نیز دربرمی‌گیرد، دو نکته برجسته می‌شود؛ نخست دریافت تسهیلات با نرخ‌هایی است که با نرخ‌های معمول بازار فاصله زیادی دارند نظیر ۴، ۱، ۷ و ۱۰ درصد که نرخ‌هایی پرتکرار در تسهیلات اعطایی بانک‌ها هستند و نکته دوم طول مدت بازپرداخت بالا که ۱۲۰، ۱۸۰، ۲۲۰ و ۳۰۰ و ۳۶۰ ماه را دربرمی‌گیرد. این دو نکته یعنی نرخ بهره کم و طولانی بودن مدت بازپرداخت که عملا بازپرداخت وام برای دریافت‌کنندگان را به‌نهایت سهولت ممکن می‌سازد نشان می‌دهد تمام لوازم دریافت تسهیلات ارزان‌قیمت برای کارکنان و مدیران ارشد توسط بانک فراهم شده است. نبود قوانین و ضوابط مشخص در زمینه اعطای تسهیلات به کارکنان بانک‌ها یکی از عوامل ایجاد این پدیده است. قانون‌گذار و نهاد ناظر هیچ‌گاه به شبکه بانکی کشور آیین‌نامه و ضوابطی را برای اعطای تسهیلات به کارکنان خود چه از لحاظ سقف کلی تسهیلات اعطایی، سقف تسهیلات اعطایی به هر کارمند و مدیر یا محدودیت در استفاده از منابع قرض‌الحسنه مشخص نساخته که این خلأ قانونی و به تبع آن نظارت کارآمد، زمینه استفاده آسان و بهره‌مندی دست‌اندرکاران شبکه بانکی از تسهیلات را فراهم آورده است.

در همین زمینه پویا ناظران، اقتصاددان و پژوهشگر با تکیه بر این نکته که پرداخت تسهیلات ارزان‌قیمت و قرض‌الحسنه به کارکنان بانک‌ها در هر حالتی که باشد چه از منابع بانک و چه از منابع قرض‌الحسنه محل اشکال است، معتقد است اگر پرداخت این تسهیلات از منابع بانک باشد به معنی زیرسوال بردن فلسفه وجودی منابع بانکی است. زیرا «منابع بانک» نقش سپر محافظ سپرده‌گذار را دارد و اعطای تسهیلات از محل سرمایه بانک اگرچه موجب رضایت دریافت‌کنندگان و عزیزشدن اعطاکنندگان می‌شود اما نتیجه‌ای جز افزودن به ریسک بانک‌ها ندارد. حال آنکه مسئولیت مدیران بانک، مدیریت بهینه و عاقلانه سرمایه بانک است تا در مواقع بحران و در برخورد با تلاطمات اقتصادی از حق سپرده‌گذاران دفاع کرده و سپرده‌گذاران نیز حق آن را دارند تا از عملکرد مدیریت در نظارت بر پرتفوی سرمایه‌ای بانک اطمینان داشته باشند. اعطای تسهیلات بانکی به مدیران و کارکنان اگر از محل منابع قرض‌الحسنه نیز باشد با روح این وجوه ناسازگار است؛ چراکه براساس نیت و قصد سپرده‌گذاران این منابع در اختیار بانک است تا در مسیر درست و خداپسندانه و رفع احتیاجات ضروری متقاضیان هزینه شود، اما اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت و بلندمدت به کارکنان و مدیران خود بانک، علاوه‌بر ایجاد انحراف در گیرندگان و نیازمندان اصلی تسهیلات به افزایش شکاف‌های اجتماعی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم دامن می‌زند.

گزارش

کردستان، سیستان‌وبلوچستان و گیلان؛ ۳ استان با بدترین محیط کسب‌وکار

فرید کریمی
خبرنگار

طی هفته گذشته، اتاق بازرگانی ایران گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار کشور در زمستان ۱۴۰۱ را منتشر کرد. براساس این گزارش، در زمستان ۱۴۰۱ شاخص محیط کسب‌وکار به ۶،۱۱ رسیده که نسبت به عدد ۶،۰۵ در پاییز ۱۴۰۱ نامساعدتر شده است. مورد قابل تأمل در این گزارش، وضعیت استان‌هاست.

چه چیزی ارزیابی می‌شود؟

براساس تعاریف اتاق بازرگانی ایران، محیط کسب‌وکار به مجموعه عواملی گفته می‌شود که بر عملکرد یا اداره بنگاه‌های اقتصادی موثر هستند اما تقریبا خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها قرار دارند؛ عواملی نظیر قوانین و مقررات، میزان بارندگی، فرهنگ کاری در یک منطقه و... که در کشورها و مناطق جغرافیایی گوناگون، در هر رشته کاری و نیز در طول زمان متفاوت هستند. امروزه، بهبود محیط کسب‌وکار یکی از مهم‌ترین راهبردهای توسعه اقتصادی هر کشور به شمار می‌رود و علاوه‌بر آن هرچه محیط کسب‌وکار یک کشور شرایط بهتری داشته باشد، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر و هرچه بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در جامعه‌ای بیشتر باشد، عملکرد اقتصاد آن کشور و خلق ارزش و ثروت در آن جامعه نیز بیشتر می‌شود. با این حال بهبود محیط کسب‌وکار، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مطلوب است، که دستیابی به این مهم نیازمند وجود فرآیندی مستمر برای پایش و سنجش وضعیت محیط کسب‌وکار هر کشور است.

در همین راستا و در سال ۱۳۹۰، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار را تصویب کردند. به موجب ماده ۴ این قانون: «اتاق‌ها موظفند به‌منظور اطلاع سیاستگذاران از وضعیت محیط کسب‌وکار در کشور، شاخص‌های ملی محیط کسب‌وکار در ایران را تدوین و به‌طور سالانه و فصلی حسب مورد به تفکیک استان‌ها، بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، سنجش و اعلام نمایند.» گزارشی که به تازگی از محیط کسب‌وکار کشور منتشر شده، بیست‌وششمین گزارش فصلی است که اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با رویکرد تلفیق داده‌های پیمایشی با داده‌های آماری براساس نظریه عمومی کارآفرینی شین ارائه نموده است. در این گزارش، داده‌های پیمایشی حاصل از ادراک‌سنجی از وضعیت مولفه‌های محیط کسب‌وکار کشور در زمستان ۱۴۰۱ از تعداد ۲۶۵۸ فعال اقتصادی زیرمجموعه سه اتاق و با استفاده از روش تکمیل پرسشنامه الکترونیکی (CAWI2) و همچنین آمارگیری تلفنی با کمک رایانه (CATI3) صورت گرفته است و داده‌های آماری نیز از منابع آماری رسمی کشور تهیه و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

براساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، می‌توان دو مجموعه عوامل محیطی معین را به محیط اقتصادی و محیط نهادی تفکیک کرد. عوامل محیط اقتصادی شامل محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، ساختار تولید و محیط جغرافیایی و عوامل محیط نهادی شامل محیط سیاسی، محیط حقوقی، محیط فرهنگی و محیط آموزشی و علمی، محیط فناوری و نوآوری و ساختار دولت می‌شود. این دو مجموعه عوامل بر کسب‌وکارهای موجود و بر فرآیند کارآفرینی که درواقع نقطه آغازین کسب‌وکار است، اثر می‌گذارند. هرچه محیط کسب‌وکار (محیط نهادی و اقتصادی) شرایط بهتری داشته باشد، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر است و هرچه بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در جامعه‌ای بیشتر باشد، عملکرد اقتصاد آن کشور و خلق ارزش و ثروت در آن جامعه بیشتر می‌شود. مطابق مدل ارائه شده برای محاسبه شاخص محیط کسب‌وکار در ایران، شاخص ملی محیط کسب‌وکار از طریق انجام محاسبات روی ۷۰ نماگر که شامل ۲۸ مولفه پیمایشی و ۴۲ مولفه آماری که از عوامل مختلف و قابل احصای موثر بر اداره واحدهای تولیدی در ایران معرفی شده است، حاصل می‌شود.

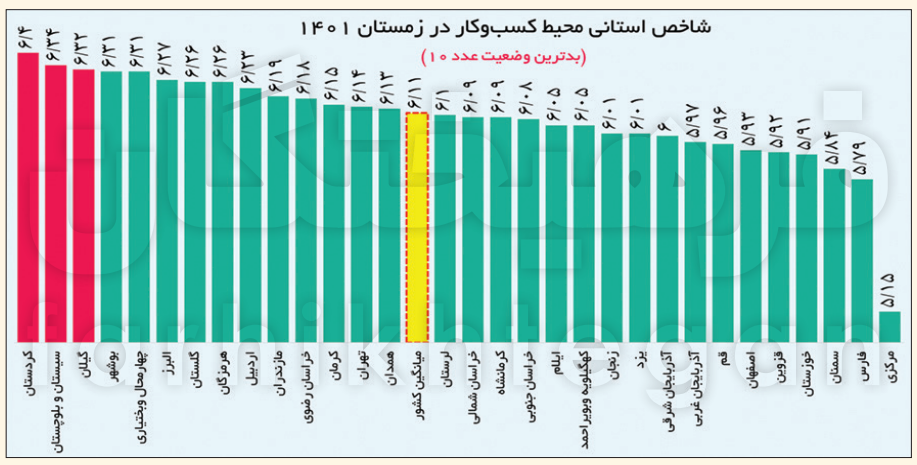

کسب‌وکار کشور نسبت به سایر مولفه‌ها ارزیابی نموده‌اند. براساس نتایج این پایش در زمستان ۱۴۰۱، وضعیت محیط کسب‌وکار در بخش خدمات (۶،۱۵) در مقایسه با بخش‌های صنعت (۵،۹۴) و کشاورزی (۵،۹۹) نامناسب‌تر ارزیابی شده است.

کردستان در رتبه اول بدترین وضعیت کسب وکار

براساس یافته‌های این طرح در زمستان ۱۴۰۱، استان‌های کردستان، سیستان‌وبلوچستان و گیلان به ترتیب دارای نامساعدترین وضعیت محیط کسب‌وکار و استان‌های مرکزی، فارس و سمنان به ترتیب دارای مساعدترین وضعیت محیط کسب‌وکار نسبت به سایر استان‌ها ارزیابی شده‌اند. استان کردستان که به‌عنوان بدترین استان به لحاظ فضای کسب‌وکار معرفی شده، در ۱۸ مولفه از ۲۸ مولفه محیط کسب‌وکار وضعیتی بدتر از میانگین کل کشور دارد.

کردستان در مولفه «فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه‌های اجرایی» پس از کهگیلویه‌و بویراحمد استان دوم کشور معرفی شده است. در مولفه «فقدان ارتباط مناسب میان عوامل تامین مواد اولیه، تولید و عرضه یک محصول در بازار»، تنها دو استان وضعیتی بدتر از کردستان دارند و در ۵ مولفه «فقدان یا شفاف نبودن آمار و اطلاعات مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی»، «ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل (جاده‌ای، ریلی، هوایی، دریایی و بندری)»، «دخالت غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار»، «کارگریزی عمومی و ضعف فرهنگ کار در جامعه» و «کمبود فناوری‌های نوین و تجهیزات مورد نیاز» تنها ۳ استان کشور وضعیتی بدتر از کردستان دارند.

گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار کشور در زمستان ۱۴۰۱ گویای وضعیت اسف‌بار محیط کسب‌وکار در کردستان است. بخشی از آنچه شاهد هستیم متأثر از وضعیت کلی کشور و بی‌ثباتی اقتصاد کلان است اما هیچ‌کس نمی‌تواند در بحث جایگاه کردستان در مقایسه با سایر استان‌ها در مولفه‌هایی مانند «فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه‌های اجرایی» و «فقدان یا شفاف نبودن آمار و اطلاعات مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی» ناکارآمدی برخی مدیران ارشد اجرایی استان را کتمان کند.

لزوم ترمیم تیم اقتصادی دولت در استان‌ها

آمارهای مختلف اعم از رتبه اول بیکاری کردستان و رتبه اول بدترین فضای کسب‌وکار به خوبی نشان می‌دهد ترمیم تیم اقتصادی دولت در کردستان یک ضرورت فوری و انکارناپذیر است. وضعیت مدیران استانی کردستان بسیار قابل تأمل است. برای مثال، در زمان گزارش‌دهی «مدیرکل هماهنگی امور سرمایه‌گذاری و اشتغال» در جلسه شورای هماهنگی مدیران استانی واحدهای تابعه وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک‌های استان کردستان که به ریاست احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل شد، این مدیرکل استانی به تفاوت دو مبحث مهم اقتصادی وقوف نداشت و «سهم از بازار» را «رشد منابع» اعلام می‌کند! و از جانب اهل تخصص تذکر می‌گیرد. ایضا ایشان که در همین دولت مدتی هم سرپرست معاونت اقتصادی استانداری بوده به جای ارائه گزارش در مورد سرمایه‌گذاری، گزارش بانکی می‌دهد تا دوبار از سوی وزیر اقتصاد با این سوالات «در مورد سرمایه‌گذاری نکته‌ای دارید؟»، «شما فقط بحث بانکی دارید؟ سرمایه‌گذاری ندارید؟» مورد خطاب قرار گیرد. جلسه‌ای که معاون اقتصادی استانداری به‌عنوان بالاترین مقام اقتصادی استان در آن حضور نداشت؛ چراکه همزمان رئیس دانشگاه کردستان است و در دانشگاه «مراسم اختتامیه همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری توت‌فرنگی کردستان» برگزار بود و لابد باید در آن مراسم حضور پیدا می‌کرد. به‌هرحال، سوال مهم این است که چگونه در این محیط نامساعد کسب‌وکار استان، مدیران استانی وعده جذب سرمایه‌گذار خارجی می‌دهند؟ مگر نه اینکه پیش‌نیاز جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مساعد بودن فضای کسب‌وکار است؟

تورم، بانک‌ها و بروکراسی پیچیده: ۳ دشواری کسب‌وکار

در زمستان ۱۴۰۱ فعالان اقتصادی مشارکت‌کننده در پایش محیط کسب‌وکار، به ترتیب سه مولفه ۱ـ غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات ۲ـ دشواری تامین مالی از بانک‌ها و ۳ـ بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار را نامناسب‌ترین مولفه‌های محیط